

# برچسب امنیتی و خطای راهبردی در

## اپوزیسیون ایران

سه تجربه تاریخی و مسئولیت ملی در مسیر گذار

پیمان بخشایش

۲۳ اکتبر ۲۰۲۶



سیاست سیاه و سفید نیست. من از موضع یک پادشاهی خواه و حامی شاهزاده رضا پهلوی می‌گویم که بی‌سند «پروژه امنیتی» خواندن مخالفانی که با ما همراه نیستند، خطای راهبردی است. چنین رفتاری می‌تواند هم تصویر قدرت جمهوری اسلامی را بزرگ کند و هم توان جنبش ملی را در جنگ با دیگر مخالفان هدر دهد. ایرانی که برای آزادی برخاسته است، از ما خرد و قدرت گردآوری نیرو می‌خواهد؛ رنج این ملت را نباید خرج نزاع‌های فرساینده کرد.

به باور من، نام شاهزاده رضا پهلوی، پرچم شیر و خورشید و امکان گردآوردن نیروهای متفاوت، سرمایه‌هایی برای گذارند. پاسداری از این سرمایه‌ها مسئولیت می‌آورد. اگر قرار است فردا کشور را اداره کنیم، باید امروز نشان دهیم که می‌توانیم با ایرانیانی که مانند ما فکر نمی‌کنند، مسئولانه رفتار کنیم.

## **بهره برداری حکومت با وابستگی اشخاص یکی نیست**

حکومت‌های اقتدارگرا برای مقابله با مخالفان، همیشه به زندان و سرکوب مستقیم بسنده نمی‌کنند. در نمونه‌های تاریخی، گاه تشکل رقیب ساخته‌اند، گاه به یک نیروی موجود کمک کرده‌اند و گاه با شایعه و سوءظن، همکاری مخالفان را دشوار کرده‌اند. هدف می‌تواند شکستن تمرکز اعتراض و جلوگیری از تبدیل شدن آن به قدرت سیاسی باشد. اما این روش‌ها یکسان نیستند و برای تشخیص هر کدام به شواهد مشخص نیاز داریم.

حکومت ممکن است از یک اختلاف واقعی سود ببرد، بی‌آنکه آن اختلاف را ساخته باشد. ممکن است سخن یک مخالف را برجسته کند، بی‌آنکه آن شخص از حکومت دستور بگیرد. حتی آزادی عمل نسبی یک فرد، اگر در مقایسه با دیگران اثبات شود، به‌تنهایی سند همکاری امنیتی نیست. میان تشکل ساخته‌شده به دست حکومت، نیرویی که حمایت پنهانی دریافت کرده و مخالف مستقلی که حکومت از مواضعش بهره می‌برد، فاصله مهمی وجود دارد. حذف این فاصله، تحلیل را به اتهام تبدیل می‌کند.

## سه تجربه تاریخی از مهار مخالفان

### آلمان شرقی و سازمان دادن سوءظن

در آلمان شرقی، اشتازی از روشی به نام «تجزیه و فرسایش» یا Zersetzung استفاده می‌کرد. آرشیو فدرال آلمان، با ارجاع به دستورالعمل ۱/۷۶، هدف این روش را پراکندن، فلج‌کردن و منزوی ساختن مخالفان توضیح می‌دهد. ایجاد بی‌اعتمادی و بدگمانی متقابل در گروه‌ها و تخریب اعتبار اشخاص از ابزارهای ثبت‌شده آن بود. بنابراین، فرسایش اعتماد میان مخالفان صرفاً یک تصور توطئه‌آمیز نیست؛ نمونه مستند تاریخی دارد.<sup>[۱]</sup>

برداشت سیاسی من روشن است: شور افشای نفوذ نباید خود به کارخانه تولید سوءظن تبدیل شود. وقتی هر اختلافی نشانه مأموربودن تلقی شود، همکاری دشوار می‌شود. حاصل می‌تواند همان پراکندگی مطلوب دستگاه سرکوب باشد؛ حتی اگر شرکت‌کنندگان در نزاع، مأمور حکومت نباشند.

### لهستان و ساختن رقیب برای همبستگی

در لهستان، پس از تعلیق و انحلال رسمی اتحادیه مستقل «همبستگی»، مقام‌های کمونیست در سال ۱۹۸۴ در ایجاد اتحادیه سراسری OPZZ نقش داشتند. گزارش یوروفاند، نهاد اتحادیه اروپا، توضیح می‌دهد که حکومت از تکرار وحدت کارگران بیم داشت و ساختار تشکلی‌های جدید را به‌گونه‌ای طراحی کرد که فعالیت یکپارچه دشوار شود. این نمونه‌ای مشخص از تلاش حکومت برای جایگزین‌کردن یک تشکل مستقل و اثرگذار با ساختاری تحت حمایت خود بود.<sup>[۲]</sup>

همان گزارش از گسترش گرایش‌های گریز از مرکز در OPZZ از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ و تشدید آن پس از ۱۹۸۹ خبر می‌دهد. حتی یک تشکل برخوردار از حمایت حکومت نیز می‌تواند در گذر زمان تغییر کند.<sup>[۳]</sup>

### آفریقای جنوبی و حمایت پنهانی از نیروی رقیب

کمیسیون حقیقت و آشتی آفریقای جنوبی ثبت کرده است که اتحادیه کارگری وابسته به اینکاتا، موسوم به UWUSA، در مه ۱۹۸۶ با تأمین مالی پنهانی قابل توجه از شاخه امنیتی پلیس راه‌اندازی شد و در برابر گسترش

کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی، COSATU، عمل می‌کرد. اینجا گزارش رسمی از پشتیبانی پنهانی سخن می‌گوید.<sup>[۳]</sup>

گزارش تکمیلی کمیسیون نیز توضیح می‌دهد که شورای امنیت دولتی در سال ۱۹۸۶ استفاده از گروه‌هایی مانند اینکاتا را در راهبرد ضدانقلابی خود گنجانده. کمک مالی پلیس به اینکاتا در سال‌های بعد ادامه یافت و افشای آن در ژوئیه ۱۹۹۱ به رسوایی «اینکاتاگیت» انجامید. این تجربه نشان می‌دهد که حکومت می‌تواند از رقابت نیروهای موجود برای تضعیف جنبش رقیب بهره بگیرد.<sup>[۴]</sup>

این نمونه مجوز همانندسازی اشخاص ایرانی با اینکاتا نیست. ادعای امنیتی باید بر اسناد، مسیر کمک و تصمیم‌های قابل بررسی تکیه کند. شباهت ظاهری یک اختلاف سیاسی، جای چنین شواهدی را نمی‌گیرد.

## دستگاه امنیتی گسترده به معنای قدرت بی پایان نیست

همان آلمان شرقی با وجود اشتازی، در سال ۱۹۸۹ وارد بحرانی شد که حکومت نتوانست آن را مهار کند. موزه تاریخ آلمان، بحران اقتصادی و مشروعیت، خروج شهروندان و گسترش اعتراض‌های جمعی را از زمینه‌های انقلاب مسالمت‌آمیز آن سال می‌داند. وجود دستگاه امنیتی، مانع از فروپاشی اقتدار سیاسی نشد.<sup>[۵]</sup> به ارزیابی من، جمهوری اسلامی برای بقای خود می‌جنگد. ممکن است همچنان سرکوب کند، عملیات اطلاعاتی داشته باشد و از شکاف‌ها استفاده کند؛ اما از این توانایی‌ها نمی‌توان نتیجه گرفت که همه صداهای مخالف را ساخته یا آینده را در اختیار دارد. روایت رژیمی که پشت هر چهره و هر حادثه نهفته است، می‌تواند در ذهن جامعه هیولایی شکست‌ناپذیر بسازد. شناخت خطر باید به توان مقابله بیفزاید، نه به احساس ناتوانی.

## نام انسان‌ها را با سند داوری کنیم

درباره توماج صالحی، سپیده قلیان، نرگس محمدی و نسرین ستوده، باید هر ادعا را جداگانه و با معیار روشن سنجید. مکاتبه گزارشگران و سازوکارهای ویژه سازمان ملل در ۶ مه ۲۰۲۱، بازداشت و برخورد با نسرین ستوده، نرگس محمدی و سپیده قلیان را در ارتباط با فعالیت‌های حقوق بشری بررسی کرده است. عفو بین‌الملل نیز در ژوئیه ۲۰۲۴ درباره بازداشت و پیگرد توماج صالحی به سبب فعالیت‌های مسالمت‌آمیز گزارش داد و نقض حکم اعدام او در دیوان عالی در ژوئن همان سال را ثبت کرد. این سابقه‌ها را نمی‌توان با یک برچسب کنار زد.<sup>[۶، ۷]</sup>

تحمل زندان کسی را از نقد سیاسی معاف نمی‌کند؛ همان‌طور که اختلاف با پادشاهی‌خواهی، دلیل وابستگی امنیتی نیست. اگر سخن یا عملکردی را نادرست می‌دانیم، همان سخن و عملکرد را نقد کنیم. اگر کسی به استمرار وضع موجود کمک می‌کند، باید توضیح دهیم کدام موضع او و از چه راهی چنین پیامدی دارد. نقد پیامد سیاسی با ادعای همکاری آگاهانه با دستگاه امنیتی، دو ادعای متفاوت است.

من حق دارم با سیاست یک فعال مخالف باشم و هم‌زمان از آزادی و حقوق او دفاع کنم. اعتبار یک آلترناتیو دموکراتیک دقیقاً در همین‌جا آزموده می‌شود. کسی که امروز با شاهزاده رضا پهلوی همراه نیست، ممکن است فردا همراه شود یا همچنان رقیب سیاسی بماند. در هر دو حالت، حق او برای حضور در آینده ایران باید محفوظ باشد.

## دو هزینه سیاسی برای جنبش ملی

هزینه نخست، بزرگ‌کردن تصویر قدرت جمهوری اسلامی است. وقتی چهره‌های متفاوت مخالف حکومت را بی‌مدرک اجزای یک نقشه واحد معرفی می‌کنیم، ناخواسته ابتکار و تسلطی فراگیر به حکومت نسبت می‌دهیم. این روایت می‌تواند امید به تغییر را فرسوده کند. رژیم برای ایجاد هراس و تردید هزینه می‌کند؛ ما نباید با اتهام‌های بی‌پشتوانه به آن کمک کنیم.

هزینه دوم، جابه‌جاشدن هدف مبارزه است. به جای تمرکز بر دستگاه سرکوب و ساختن امکان گذار، درگیر نزاع با دیگر مخالفان می‌شویم. شخصی‌کردن این دعاوها برای پادشاهی‌خواهی سم است. جنبشی که می‌خواهد آلترناتیو اداره ایران باشد، با یقه‌گیری و پاچه‌گیری سیاسی اعتبار نمی‌گیرد. اگر عمده توان ما صرف تخریب دیگر مخالفان شود، در عمل به اپوزیسیون اپوزیسیون تبدیل می‌شویم.

## آلترناتیو باید ظرفیت اداره ایران را نشان دهد

در «مسئولیت‌پذیری سیاسی در انقلاب ایران» نیز بر اعتمادسازی و اتحاد نیروهای متفاوت تأکید کرده‌ام. حمایت من از شاهزاده رضا پهلوی با همین مسئولیت همراه است. هیچ ایرانی‌ای برای برخورداری از حقوق شهروندی به تأیید سیاسی ما نیاز ندارد.<sup>[۸]</sup>

اتهام امنیتی را تنها با مدرک قابل بررسی مطرح کنیم و نقد سیاسی را به رفتار و موضع مشخص محدود کنیم. از بحثی که به شناخت مسئله یا پیشبرد هدف مشترک کمک نمی‌کند، باید عبور کرد. وقت و اعتماد مردم سرمایه‌هایی نیستند که بی‌پایان در اختیار ما بمانند.

پادشاهی‌خواهی مسئول باید آمادگی خود را برای حکومت قانون و تضمین آزادی رقیب نشان دهد. ایرانیان متفاوت باید امنیت و آینده خود را در جنبش ملی ببینند. مردم حق دارند از برنامه ما برای حفظ خدمات عمومی و پاسخ‌گویی نهادهای گذار آگاه باشند.

## هدف ما آزادی ایران است

ما برای پس‌گرفتن ایران از جمهوری اسلامی برخاسته‌ایم. عظمت این هدف با کوچک‌شدن میدان دید ما از بین می‌رود. نمی‌توان از شکوه ایران سخن گفت و هر روز نیروی خود را در نزاعی شخصی فرسود. مسئولیت جمهوری اسلامی در سرکوب و تباهی کشور را نباید در غوغای دعوا میان مخالفان گم کرد.

از همراهان جنبش شیر و خورشید می‌خواهم به بزرگی مسئولیت ملی رفتار کنند. ایران فردا به دولتمردانی نیاز دارد که بتوانند اختلاف را اداره کنند.

پرچم شیر و خورشید را باید چنان برافرازیم که ایرانی رنج‌دیده در سایه آن، حرمت و امنیت خود را ببیند. قدرت ما در اعتماد مردمی است که به امکان یک زندگی آزاد باور می‌کنند. با خرد، سازمان‌یافتگی و اراده ملی پیش برویم. ایران را پس می‌گیریم و برای همه ایرانیان می‌سازیم.

## منابع و اسناد

شماره‌های داخل متن به منابع زیر ارجاع دارند. پیوند هر منبع قابل انتخاب است. تاریخ بررسی پیوندها ۲۳ اکتبر ۲۰۲۶ است.

### ۱. آرشیو فدرال آلمان

Zersetzung

توماس آوریخ و ایلکو زاشا کووالچوک؛ مدخل دانشنامه وزارت امنیت دولتی؛ شرح دستورالعمل ۱/۷۶ مصوب ۱۹۷۶. پیوند منبع

### ۲. یوروفاند

Gardawski, Juliusz. New nationwide trade union centre established

۱۸ دسامبر ۲۰۰۲؛ بخش The OPZZ roots of FZZ. پیوند منبع

### ۳. کمیسیون حقیقت و آشتی آفریقای جنوبی

Truth and Reconciliation Commission of South Africa Report

۱۹۹۸؛ جلد ۲، فصل ۵، بند ۲۵۷، صفحه چاپی ۴۶۹؛ بازنشر در آرشیو SAHA و SABC. پیوند منبع

### ۴. کمیسیون حقیقت و آشتی آفریقای جنوبی

Truth and Reconciliation Commission of South Africa Report

۲۰۰۳؛ جلد ۶، بخش ۴، پیوست، بندهای ۱۷ تا ۲۰، صفحات چاپی ۵۸۲ و ۵۸۳؛ نسخه وزارت دادگستری. پیوند منبع

### ۵. موزه تاریخ آلمان

1990 The Path to Unification — Prologue The Peaceful Revolution

بخش درآمد درباره انقلاب مسالمت‌آمیز ۱۹۸۹؛ بدون تاریخ در صفحه. پیوند منبع

### ۶. گزارشگران و سازوکارهای ویژه سازمان ملل متحد

Joint communication AL IRN 12/2021

۶ مه ۲۰۲۱؛ صفحات ۲، ۷ و ۸؛ مکاتبه درباره اطلاعات دریافتی از نقض حقوق مدافعان حقوق بشر. پیوند منبع

### ۷. عفو بین الملل

Tortured dissident rapper facing spurious charges

۱۸ ژوئیه ۲۰۲۴؛ اقدام فوری دوم ۴۴/۲۴؛ شناسه MDE 13/8339/2024. پیوند منبع

### ۸. بخشایش پیمان

مسئولیت‌پذیری سیاسی در انقلاب ایران

۱۷ اکتبر ۲۰۲۶؛ وبسایت نویسنده. پیوند منبع